



کارگران جهان متحد شوید !

تاملی بر مبارزات بازنشستگان و مستمری بگیران و مطالباتی که تنها با اتحاد و مبارزه مشترک بدست می آیند .

مدتها است که شاهد گسترش مبارزات بازنشستگان و مستمری بگیران کارگری، دولت و تامین اجتماعی در سراسر کشور هستیم . همزمان با گسترش اعتصابات و اعتراضات بخش های مختلف کارگران ، زنان، جوانان و زحمتکشان شهر و روستا، تجمعات و تظاهرات بازنشستگان و مستمری بگیران یکی از ادامه دارترین حرکت های اجتماعی زحمتکشان ایران در سالهای اخیر محسوب می شود که با تمام فراز و نشیب ها همچنان ادامه دارد .

دلایل عمده این اعتراضات و تجمعات بازنشستگان و مستمری بگیران همچون سایر اقشار کارگر و زحمتکش جامعه مشکلات بنیادین اقتصادی و معیشتی از یکسو و خواست های سیاسی از سوی دیگر است که در چهارچوب مناسبات سرمایه داری ایران با هم تلفیق شده اند .

ادامه در صفحه ۲

بیکاری های گسترده در فقدان تامین اجتماعی و حقوق بیکاری همه شمول

اخراج های وسیع و بیکارسازی های گسترده در جریان "واگذاری" بخش های دولتی صنایع خدمات، حمل و نقل آموزش و پرورش و بهداشت عمومی به بخش خصوصی که بدنبال خود جایگزینی وسائل تولید و تعدیل نیروی کار متناسب با آن اجرائی می شود از جمله راه کارهایی است که برای طبقه حاکم تا بدین وسیله انباشت سود و سرمایه را تضمین کند. البته رسیدن به این هدف که با بیکارسازی های میلیونی همراه است آسان نبوده و نیست بلکه با سرکوب و فریب، سردواندن کارگران، تعویق در پرداخت دستمزدها، تعطیل محل کار، تفرقه افکنی در صفوف کارگران و زندان فعالین و رهبران عملی این اعتراضات و اعتصابات توأم است. با این وجود انبوه میلیونی کارگران بیکار و بیکار شده و نیز شاغلینی که تضمین شغلی خود را از دست داده و خطر اخراج را بالای سر خود احساس میکنند راهی جز اعتصابات، تجمعات اعتراضی در پیش روی ندارند این درحالی است که فقدان تامین اجتماعی و حقوق بیکاری همه شمول در شرایط تورم بی سابقه و گرانی مسکن و مایحتاج عمومی زندگی و معیشت این انبوه میلیونی کارگران را با خطرات زیادی مواجه نموده است .

ادامه در صفحه ۲

سقط جنین جرم نیست

اگر چه باورش مشکل است که رژیم اسلامی هرگز فرصتی برای سرکوب بیشتر و تجاوز به حقوق انسانی زنان، از دست داده باشد، ولی باز هم راه دیگری برای تنگتر کردن حلقه خشونت و آزار سیستماتیک جنسی بر گردن زنان را پیدا کند.

فاشیسم اسلامی در مازندران، جهت هر چه بیشتر کردن فضای پلیسی علیه زنان، در صدد ایجاد شبکه های اطلاعاتی بین دادگستری و مراکز درمانی است تا بتواند نظارت مستقیم بر زنانی که تست بارداریشان مثبت بوده را داشته باشد.

ادامه در صفحه ۵

تجمع اعتراضی گسترده اصفهان

تبلوری از همبستگی زحمتکشان در اعتراض به فاجعه زیست محیطی

صفحه ۲

مصاحبه با یدی شیشوانی بمناسبت یکصد و چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر

صفحه ۱۰

"کودکان کار مدرن" پدیده جدید سرمایه به بهانه ۲۰ نوامبر روز جهانی حقوق کودکان و نوجوان

صفحه ۹

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت

صفحه ۸

علیه زنان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

بیکاریهای گسترده در فقدان تامین اجتماعی و حقوق بیکاری همه شمول

نشان میدهد که در حال حاضر انبوه میلیونی کارگران و دیگر زحمتکشان و خانواده هایشان با فاجعه عظیمی مواجه هستند و باتوجه به تداوم بیکاری و بیکار سازی ها از یک طرف و حقوق و دستمزد پائین شاغلین و محروم بودن بیش از ۱۱ میلیون نفر از بیمه پایه و حقوق حداقل بیکاری و معضلات دیگری که طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه با آن مواجه هستند خواست تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری همه شمول یکی از خواست های کلیدی و مهمی است که می تواند کلیه کارگران و زحمتکشان شاغل و بیکار را حول آن خود متحد کند.

در نظام سرمایه داری علی العموم و در نظام سرمایه داری سرکوبگر جمهوری اسلامی که کارگران و زحمتکشان از ابتدائی ترین حقوق برخوردار نبوده و با اخراج های گسترده، بیکاری و بیکار سازی های میلیونی و استثمار شدید مواجه هستند و از هرگونه تضمین شغلی محروم اند برخوردار از تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری دارای اهمیتی اساس است و یک خواسته محوری و مهم محسوب می شود و کارگران و زحمتکشان برای تامین حداقل معیشت شان در دوران بیکاری از یک طرف و تامین بیمه های اجتماعی همه شمول از طرف دیگر را باید متحدانه به کارفرماها و دولت تحمیل بکنند این امر جز اتحاد همه شاغلین و بیکاران حوال این درخواست محوری ناممکن خواهد بود.

خ- عمواغلی ۲۸ آبان ۱۴۰۰

ادامه از صفحه اول

نبود بیمه های اجتماعی همه شمول و حقوق بیکاری و فشار مضاعف به کارگران

بیمه پایه هستند و افزایش ۲ الی ۳ برابری قیمت دارو و درمان این جمعیت را در بلا تکلیفی مطلق قرار میدهد.

از طرفی وزیر بهداشت نیز اعتراف میکند که "مردم ۴۳ درصد از هزینه های درمان را از جیب خود پرداخت میکنند.... و هزینه درمانی برخی بیماری ها در حدی است که بیمار باید همه زندگی اش را بفروشد تا بتواند از پس هزینه بر بیاید" این حرف ها در شرایطی مطرح می شود که ۷ سال از اجرای طرح تحول سلامت گذشته که قرار بود هزینه های درمانی از جیب بیمار به ۳۰ درصد کاهش یابد.

این اعترافات صاحب منسبان و مسئولین دولتی البته تنها کارگران و مردمی را شامل می شود که از بیمه رسمی برخوردارند که بنا به ادعای وزیر بهداشت (اگر آمار ارائه شده توسط وی را آماری واقعی بدانیم که اغلب نیست) ۴۳ درصد هزینه های خدمات درمانی را از جیب خود پرداخت میکنند. در حالیکه طبق آمارهای رسمی ۱۱ میلیون نفر فاقد بیمه پایه هستند و مجبورند کل هزینه دوا و درمان را از جیب خود پرداخت کنند از طرفی از حقوق بیکاری هم محروم هستند. این واقعیت ها

در بسیاری از کشورها که در نتیجه سالها مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان، دست آوردهائی نظیر تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری تثبیت شده است. کارگران در هنگام بیکاری از تامین اجتماعی و حداقل حقوق بیکاری برخوردار هستند اما در کشورهائی نظیر ایران میلیونها کارگر بیکار و یا کارگرانی که مشاغلشان را از دست میدهند از تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری محروم هستند شمولیت قوانین بیمه های اجتماعی و حقوق بیکاری اندکی که در قوانین کار و استخدامی در نظر گرفته شده است تنها بخشی از کارگران و کارکنان را پوشش میدهد و نه همه نیروی کار را در همین زمینه یکی از مدیران اسبق بیمه خدمات درمانی ضمن اشاره به گرانی دارو و خدمات درمانی میگوید "حدود ۸ میلیون نفر از اتباع ایرانی و ۳ میلیون نفر از اتباع افغانستانی فاقد هرگونه

تاملی بر مبارزات بازنشستگان و مستمری بگیران و مطالباتی که تنها با اتحاد و مبارزه مشترک بدست می آیند.

ادامه از صفحه اول

به عبارت دیگر در عرصه مبارزات جاری در ایران، اقتصاد و سیاست و مبارزه صنفی و سیاسی از هم دیگر جدائی ناپذیراند. امری که جویبارهای جنبشهای اجتماعی گوناگون را به رودخانه ای خروشان تبدیل خواهد کرد. مبارزات بازنشستگان و مستمری بگیران نیز از کوهسار بزرگ توده های زحمتکش مردم سرچشمه گرفته و در این رود خروشان جریان مییابد.

نگاهی به تجمعات اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران در روزهای اخیر و واقعیت عینی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی این مبارزات و پیوند آن با مبارزات و مطالبات سایر اقشار اجتماعی را بخوبی نشان میدهد. زمینه های عینی که امکان و ضرورت اتحاد این جنبش های گسترده اجتماعی را در سطح جامعه و در یک جبهه متحد بنمایش می گذارد.

به گزارش سایت های خبری " بازنشستگان و مستمری بگیران کارگری، دولت، تامین اجتماعی و صندوق فولاد در سراسر کشور در طول یک ماهه اخیر ۱۸ تجمع اعتراضی برگزار کرده اند.

در یکی از آخرین موارد اعتراضی، بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد تهران روز چهارم آبان ۱۴۰۰ مقابل ساختمان صندوق مرکزی فولاد در تهران تجمع کردند. آن ها خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند.

روز سوم آبان هم بازنشستگان فولاد در شهرهای اهواز، اصفهان، شاهرود و... بر اساس فراخوان از پیش اعلام شده، مقابل ساختمان صندوق مرکزی فولاد در تهران تجمع برپا کردند.

تجمع کنندگان مهم ترین خواسته خود را برخورداری از مستمری بالاتر از خط فقر، درمان رایگان و اصلاح احکام همسان سازی حقوق و انتقال از ردیف ۹ بودجه به ردیف هفت اعلام کرده و گفتند: «دولت مکلف به اجرای تعهدات و پرداخت مطالبات قانونی بازنشستگان فولاد مطابق آیین نامه معتبر فولاد است.»

آن ها گفتند: «از سال ۱۳۹۱ به بعد که صندوق فولاد به وزارت کار واگذار شد، صندوق به طور غیر قانونی دست در جیب بازنشسته های خود کرده است و علی رغم اعتراض بازنشستگان، باز هم به تخلفات خود ادامه می دهد. کسر پول بیمه عمر و حوادث از بازنشستگان ستادی و معدنی نمونه کوچکی از این تخلفات است که ما در نظر داریم این تخلف را به مقامات بالا دستی انتقال دهیم.»

آن ها همچنین خواستار پرداخت به موقع هزینه های درمانی بازنشستگان فولاد از بودجه های سنواتی، قرارداد درمان برابر آیین نامه استخدامی و دستورالعمل های فولاد، بیمه عمر و حوادث برابر دیگر واحدهای فولادی و به کارگیری فرزندان بازنشستگان در ذوب آهن و شرکت های زیرمجموعه صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد هستند.

تجمع کنندگان که از مناطقی هم چون کرمان، اصفهان، مشهد، مبارکه، زیرآب، طبس، سمنان، شاهرود و سنگردود گردهم آمده اند، می گویند اگر به مطالبات ما پاسخ داده نشود، به اعتراض صنفی خود ادامه می دهیم.

بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد استان اصفهان هم روز یکشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۰ در مقابل ساختمان این صندوق در اصفهان تجمع کرده بودند.

آن ها مطابق فراخوان یکشنبه های اعتراضی بازنشستگان، روز یکشنبه ۱۸ مهر هم مقابل ساختمان این صندوقها در اهواز و اصفهان تجمع کردند. این تجمع در روزهای چهارم و یازدهم مهر در اهواز و اصفهان هم برگزار شد.

دستمزد عادلانه می خواهیم

گروهی از بازنشستگان و کارکنان شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی هم در اعتراض به وضعیت خود روز چهارم آبان مقابل وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند. این گروه از بازنشستگان که خواهان دستمزد عادلانه هستند، می گویند: «دریافتی بازنشستگان نه تنها ناچیز است بلکه با تاخیر هم پرداخت می شود.»

جلوی واگذاری بانک رفاه کارگران را بگیرید «کانون عالی کارمندان بازنشسته مشمول قانون تامین اجتماعی» با انتشار نامه ای خطاب به رهبر جمهوری اسلامی، خواستار توقف واگذاری «بانک رفاه کارگران» و صدور «حکم حکومتی» شده است.

بازنشستگان کارگری خواهان پرداخت

عیدی کارگری

جمعی از بازنشستگان کارگری خواهان تغییر روند پرداخت عیدی ها در سال جاری شدند. آن ها می گویند: «حالا که محاسبه افزایش مستمری های ما براساس مصوبات شورایی عالی کار و میزان افزایش دستمزد کارگران است، عدالت حکم می کند در پرداخت تمام مزایا، از جمله عیدی پایان سال نیز ما را کارگر به حساب بیاورند.»

به گفته آنها تفاوت بسیاری میان مستمری بازنشستگان کارگری و بازنشستگان دولت وجود دارد و اگر قرار است عیدی‌ها کارمندی باشند، باید این تفاوت از میان برداشته شود.

تجمع بازنشستگان وزارت بهداشت استان گیلان

جمعی از بازنشستگان وزارت بهداشت در گیلان نیز روز پنجشنبه ۲۲ مهر در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود در محوطه علوم پزشکی رشت تجمع کردند. آن‌ها خواستار پرداخت پاداش، اجرای همسان‌سازی حقوق و رسیدگی به مشکلات معیشتی و درمانی خود هستند.

ابهام در بررسی لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان

دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین می‌گوید: «سرنوشت لایحه همسان‌سازی حقوق بازنشستگان همچنان در هاله‌ای از ابهام است. متأسفانه برخی نمایندگان بدون درک وضعیت معیشتی بازنشستگان در اجرای لایحه سنگ‌اندازی می‌کنند.»

به گفته او، یکی از مطالبات اصلی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی، همسان‌سازی حقوقها بوده است.

او می‌گوید: «نمایندگانی که تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری خود را مدافع حقوق کارگران نشان می‌دادند و برای همسان‌سازی حقوق بازنشسته‌ها وعده‌های فراوان می‌دادند، اکنون چرا از زیر بار عمل به این وعده‌ها شانه خالی می‌کنند؟»

کریمی خطاب به مخالفان طرح هم‌سان‌سازی حقوق بازنشستگان گفت: «ما بازنشستگان حاضریم فقط برای چند ماه حقوق‌مان را با شما مسوولان جابه‌جا کنیم. کدام یک از شما می‌تواند با ماهی چهار میلیون تومان هزینه‌های زندگی خانوادگی خود را تأمین کند؟»

ماده ۳۰ قانون برنامه ششم توسعه را اجرا کنید

بازنشستگان آموزش و پرورش یزد در نامه‌ای خطاب به «مسعود میرکاسمی»، رییس سازمان برنامه و بودجه، خواستار اجرای ماده

۳۰ قانون برنامه ششم توسعه شدند. نویسندگان این نامه با اشاره به ماده ۳۰ این قانون یادآور شدند: «این ماده زمینه لازم برای رفع تبعیض و برقراری عدالت نسبی بین حقوق بازنشستگان و کارمندان شاغل را فراهم کرده و به دولت ابلاغ شده است.»

فوقالعاده‌های حذف شده را برگردانید
بازنشستگان فنی شرکت‌های برق منطقه‌ای کشور با صدور بیانیه‌ای، از دولت سیزدهم خواستند تا دستور اصلاح احکام آن‌ها و پرداخت معوقه فوق‌العاده‌ها از تاریخی که صندوق آن‌ها را حذف کرده است، صادر کند.

درخواست حضور نماینده بازنشستگان در جلسات مزدی شورای عالی کار

بازنشستگان تأمین اجتماعی خواهان حضور نماینده‌ای از میان خود در جلسات مزدی شورای عالی کار شدند. بر اساس ماده ۱۱۱ «قانون تأمین اجتماعی»، حداقل مستمری کارگران بازنشسته مشمول این قانون، تابعی از حداقل مزد کارگران شاغل است. در نتیجه، حداقل مستمری، تابعی از مولفه‌های مندرج در ماده ۴۱ قانون است که تعیین مزد بر اساس دو معیار، تورم و هزینه‌های معاش را مورد تأکید قرار می‌دهد.

مطالبات بازنشستگان کشوری

جمعی از بازنشستگان کشوری در بیانیه‌ای، اصلی‌ترین مطالبات خود را مطرح کردند. فهرست این مطالبات به این شرح است:

- ۱- اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری
- ۲- احیای ماده ۱۲۵ قانون مدیریت و اجرای کامل آن
- ۳- اجرای همسان‌سازی حقوق همه ادارات و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی که از بودجه عمومی دولت حقوق دریافت می‌دارند، برابر مواد قانون مدیریت، به ویژه ماده ۶۴
- ۴- اجرای کامل ماده ۸۵ در مورد بیمه تکمیلی بازنشستگان

۵- برقراری عدالت در پرداخت حقوق‌ها و رفع تبعیض، برابر ماده ۳۰ برنامه ششم توسعه

۶- پرداخت معوقات و خسارات ناشی از عدم اجرای قانون مدیریت از سال ۱۳۸۶

۷- اجرای کامل آرای دیوان محاسبات و دیوان عدالت اداری "

مبارزات بازنشستگان که جزو محروم‌ترین اقشار اجتماعی محسوب می‌شوند بخشی از مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده‌های عظیم رنج‌کاربر علیه سوداندوزی‌ها، فساد و رانت خواری و ستم و استثمار طبقه حاکم و دولت ارتجاعی و مذهبی آن است. انسانهایی که اگر کاری هم گیرشان بیاید برغم تلاش شبانه‌روزی با افزایش سرسام‌آور قیمت مایحتاج عمومی و درآمدهای اندک‌شان قوت لایموتی هم نصیب‌شان نمی‌شود طبق آمارهای رسمی در خلال شش ماه اخیر هزینه حداقلی که بتوان با آن زنده ماند بیش از شصت درصد افزایش یافته است و این بدین معنی است که این قشر زحمتکش در دوران بازنشستگی بجای برخورداری از یک زندگی راحت و داشتن مسکن و خدمات بهداشتی، تفریحی مناسب، باید در هنگام پیری و از کارافتادگی به فکر پیدا کردن کار برای تأمین حداقل معیشت خود باشند چرا که با حقوق‌های اندک بازنشستگی نمی‌توانند نیازهای اولیه زندگی خود را تأمین کنند. اکنون این قشر زحمتکش و محروم که از وعده و وعیدهای بی‌سرانجام رهبران حکومت به تنگ آمده‌اند همچون سایر کارگران و زحمتکشان مبارزه را به سطح خیابان‌ها و به میان سایر هم‌سرنوشت‌های خود کشانده‌اند و هم‌صدا با دیگر جنبش‌های اجتماعی خواستار دگرگونی‌های بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور هستند. باتوجه به اینکه ادامه مبارزه و پیروزی بدون اتحاد و همبستگی و داشتن برنامه‌ای روشن و مطالبات اقتصادی و سیاسی شفاف میسر نمی‌باشد لذا مسئله اتحاد جنبش‌های اجتماعی انقلابی و مترقی توده‌های عظیم کار و زحمت در یک جبهه انقلابی و چگونگی توفیق در این امر به یک مسئله چالش برانگیز و فوری کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است.



سقط جنین جرم نیست

ادامه از صفحه اول

سقط جنین در ایران اسلامی همیشه جرم بوده است ولی تلاش برای اطلاعاتی کردن کادر درمانی اقدام جدید و مزورانه رژیم برای نرمالیزه کردن تهدید و تعقیب زنان و برخورد بزهکارانه با آنان است. قرار دادن بدن زنان تحت نظارت شدید و وحشیانه دولتی اگرچه فقط مختص به رژیم اسلامی ایران نبوده و کمابیش در سراسر جهان و حتی در بخشی از اروپا در حال رخ دادن است، ولی رژیم اسلامی ایران به شنیع ترین حالتش، زنان را دائما موضوع این کنترل سیستماتیک و بیرحمانه خود قرار داده است.

سقط جنین هنوز در بخشی از جهان جرم محسوب میشود و در برخی کشورها که زنان توانسته اند به اختیار عمل در قبال بارداری یا خاتمه به آن دست پیدا کنند، این اختیار عمل توسط جناح اولترا راست بورژوازی در کنار دم و دستگاه مراکز ارتجاعی مذاهب با توجیحات مختلفی ربوده شده است. بخشی از این اقدام تجاوزگرانه به حقوق زنان، واکنش شدید جامعه مرد سالار علیه جنبش رو به رشد حقوق زنان در سطح جهانی بوده است که "باردار ماندن و مادر شدن" را امری داوطلبانه و از حقوق انسانی زنان میدانند. جامعه مردسالار، خواسته کنترل تولد توسط خود زنان را، همواره تهدیدی

برای تسلط شان بر زنان دانسته اند، و در نتیجه ممنوعیت سقط جنین بخشی از تلاش این فرهنگ برای کنترل زنان و محدود کردن آنها به نقش سنتی تولید مثل و بچه داری بوده است.

جرم سازی از زنان و اندامهایشان اگرچه موضوع تازه ای نیست ولی با عروج جنبشهای ارتجاعی و راست، حمله به حقوق زنان ابعاد وقیحانه ای بخود گرفته است. این جنبشهای فاشیستی در کنار حمله به دیگر گروه های اجتماعی مثل مهاجرین و اقلیتهای ملی-نژادی و اتنیک، حمله به زنان و دستاوردهایشان، مخرج مشترک تلاشها و کمپین هایشان بوده است، در عین حال انگیزه های تازه ای نیز به رژیمهای فوق ارتجاعی ای مثل ایران هم داده اند که حمله های جدیدی علیه زنان را رقم بزنند. وقتی که در جایی مثل تگزاس، دولتس برای جاسوسی از سقط جنین زنان جایزه ده هزار دلاری میگذارد و از نرس و دکتر گرفته تا راننده تاکسی که با این زنان در ارتباط بوده اند، مجرم شناخته میشوند، جنایتکارانی مثل رژیم اسلامی که جای خود دارد. شناخت بیشترمانه رژیم نسبت به زنان تاریخ سیاه خودش را دارد، ولی اینکه نهادها و مراکز پزشکی را که کارشان ارائه خدمات درمانی است، مبدل به تور پلیس کردن و به تله انداختن زنان، تنها نشانگر

تفرد بیحد و حصر رژیم به زنان و حقوق انسانی آنان میتواند باشد.

کنوانسیون حقوق بشر که دستاورد جنبشهای بیشماری در جهان سرمایه داریست، با تمام نواقص و مضامین ابترش از حقوق زنان، دولتها را متعهد به حفاظت و احترام به جان زنان و دختران از طریق حذف محدودیتها برای سقط جنین میکند. کنوانسیون حقوق زنان را شامل حق کنترل بارداری، حق انتخاب آزادانه برای مادر شدن یا نشدن، و همینطور حق برخورداری خدمات درمانی در طی بارداری و دسترسی به تسهیلات پزشکی در صورت خاتمه بارداری تعریف میکند. طبق آمارهای این کنوانسیون سالیانه زنان بسیاری بخاطر عدم دسترسی به مراقبتهای بهداشتی و برخورداری از سقط جنین امن، آزاد، و قانونی جانشان را از دست میدهند. در واقع مرگ و میر زنان و دخترانی که تحت شرایط غیر بهداشتی و با کمک افراد غیر متخصص مجبور به سقط جنین میشوند، در کشورهایی که سقط جنین جرم است چهار برابر کشورهاییست که زنان از این حق برخوردارند.

سرمایه داری و بویژه مذهب همواره از زنان بعنوان ابزاری برای پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه و منافع مادی

برابری جنسی است. اقدام رژیم اسلامی برای کنترل بیشتر زنان و جرم سازی از اندامهای آنها، انکار زنان و حقوق انسانی شان است. کادر درمانی باید در کنار زنان ایستاده و مرعوب این تمهیدات فاشیستی رژیم نشود. پاسخ زنان روشن است: بدن خود، انتخاب خود.

نوشین شفاهی

22 اکتبر-2021

جنین غیربهداشتی دارد. و اگرچه، در برخی از کشورهای مذهبی زده، بویژه مسلمان، سقط جنین هم پهلو شده است با استیگماها و تابوهای مذهبی و باورهای سنتی، ولی زنانی که بدلائل مختلف بویژه فقر و یا بارداری ناشی از تجاوز میخوانند به بارداریشان خاتمه دهند، را هیچوقت متوقف نکرده، حتی در کشورهایی که برای آن مجازات های سنگینی قرار داده اند، بلکه زیرزمینی و ناامن شده است.

سلامت جنسی و حق انتخاب برای مادر شدن و یا انقطاع آن، یکی از پایه های

شان استفاده کرده اند. جنبش زنان از پیچ و خمهای بسیاری عبور کرده است که قادر شود برای باردار ماندن و یا خاتمه دادن به آن خودش تصمیم بگیرد. از آن دورانی که فرهنگ ناپلئون بناپارت، فرهنگ غالب بر اکثریت دنیا بود بسیار گذشته است. فرهنگی که اعتقاد داشت " زنان چیزی بیشتر از یک ماشین تولید بچه نیستند" مفتضحانه شکست خورد و زنان به دستاوردهای بزرگی رسیدند که از جمله همین حق استفاده از کنترل بارداری و مادر شدن بود. دیگر آن دوران گذشت که زنان بیابند بعنوان یک قاعده اساسی، مسئولیت توضیح و توجیه این را بعهده بگیرند که چرا نباید بعنوان یک "شیء" و یا بمثابه ماشین جوجه کشی آنان را تعریف کرد. جنبش رهایی زنان از این مراحل اولیه عبور کرده است. زنان ایران هم همپای فعالین جنبش جهانی زنان، با مبارزه شان، با مقاومتشان و با جنبش شان اعلام کرده اند که انسان هستند و حقوق انسانی شان اهمیت دارد و در مقابل این آپارتاید جنسی، تا آخر ایستاده اند. این تلاش مذبحانه رژیم اسلامی هم بخشی از یک حمله استراتژیک طبقاتی و جبهه ای علیه زنان و حقوق شان است که زنان را تا حد یک "تخمدان" تقلیل داده است. این تلاشها ناگزیر محکوم به شکست است چرا که رژیمی که با اینهمه تمهید و تهدید و ارعاب هنوز قادر نشده است که زنان و دختران ایران را متقاعد کند که داوطلبانه تن به حجاب اسلامی دهند، هیچوقت نمی تواند مقاومت زنان را در مقابل این بیحقوقی ها درهم شکند و بتواند از هر شهروندی، یک جاسوس اطلاعاتی بسازد.

اگرچه، جرم زدایی از سقط جنین به یکباره زنان را مشمول کلیه حقوق انسانی شان نمی کند، ولی نقش مهمی در کاهش مرگ و میرهای ناشی از سقط

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

جامعه کمونیستی جامعه ایست که در آن مالکیت بر وسایل تولید و مبادله ، به کل جامعه بشری تعلق داشته باشد، جامعه ای که در آن از کار مزدی اثری نباشد و نه کار و نه ارزش کار به عنوان کالا قابل فروش و معاوضه نباشد، جامعه ای که در آن طبقه و حکومت و دستگاه های عریض و طویل بوروکراتیک محو شده باشند، جامعه ای که در آن افراد از آزادی کامل برخوردار باشند و کلیه قیود حقوقی، سنتی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی، نژادی ، فرهنگی، مذهبی و که در بهره گیری انسانها از زندگی شان محدودیت ایجاد می کند، برچیده شده باشند، جامعه ای که در آن هرگونه جدایی انسان از ارزش تولید شده توسط کار وی یا جدایی تولید کنندگان از برنامه ریزی و اداره امور اجتماعی از میان رفته باشد . اصل از هر کس بنا بر استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش تحقق یافته باشد . جامعه ای که آزادی و شکوفایی فرد ضامن آزادی و شکوفایی جمع است .

تنها در چنین جامعه ای است که علم و تکنولوژی بطور کامل در خدمت رفع نیازهای بشری در خواهد آمد، تنها در چنین جامعه ای است که توانایی های بالقوه و خلاقیت ها و ابتکارات می توانند آزادانه و بدور از قیود مادی و اجتماعی شکوفا شوند، تنها در چنین جامعه ای است که دستاوردهای علمی و فرهنگی بطور کامل و آزاد در اختیار قرار می گیرد .

تجمع اعتراضی گسترده اصفهان تبلوری از همبستگی زحمتکشان در اعتراض به فاجعه زیست محیطی

فاجعه زیست محیطی بسیار خطرناک تری در آینده ای نه چندان دور منجر خواهد شد.

قبلا از این زحمتکشان خوزستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان و بسیاری از مناطق دیگر نسبت و فاجعه کم آبی و تبعات تخریب محیط زیست دست به اعتراضات متعددی زده اند که مثل همیشه با وعده های بی پشتوانه مسئولین و سرکوب نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شده اند، اما مادامی که توده های مردم به خواست ها و مطالبات شان دست نیافته اند این مبارزات برغم افت و خیزها همچنان ادامه خواهد یافت.

همچنان که امروز شاهد تداوم آن در اعتراضات گسترده کشاورزان استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری هستیم که با پشتیبانی مردم اصفهان تجمع گسترده و اعلام همبستگی آنها خشم توده های ستمدیده علیه چهل و دو سال حاکمیت رژیم اسلامی را بنمایش میگذارد.

توده های زحمتکش مردم به تجربه می آموزند که برای پایان دادن به مشکلات و مصائب بی شماری که بیش از چهل سال است با آنها دست بگریبان هستند تنها با اتحاد گسترده در جبهه ای انقلابی و سرنگونی طبقه حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خود بدست خویش میسر خواهد شد.

اتحاد رمز پیروزی است.

صحاری خشک شده اند و میلیونها کشاورز روستاهای خود را ترک کرده و در حاشیه شهرهای بزرگ بسختی روزگار می گذرانند. رژیم و دستگاه های تبلیغاتی آن در تلاشند چنین وانمود کنند که فاجعه کم آبی و بحران زیست محیطی در ایران ناشی از تغییرات آب هوایی و کاهش بارندگی است! اما کیست که نداند دلایل اصلی در سیستم اقتصادی و سیاسی ایران نهفته است، که انباشت ثروت از راه رانت خواری، رشوه و فساد و دزدی مافیای اقتصادی و سیاسی حاکم در آن نهادینه شده است.

وضعیت فاجعه بار کم آبی و خطرات زیست محیطی در استان اصفهان که هم اکنون با اعتراضات گسترده کشاورزان و دیگر زحمتکشان مواجه است، از این قائده مستثنی نیست و در حال حاضر بیش از یک میلیون نفر کشاورز و زحمتکش این استان با این بحران دست بگریبان هستند. در نتیجه عملکرد مافیای قدرت و ثروت در ایجاد سد های غیر کارشناسی، پمپاژ آب در بالا دست سدها و برداشت آب بوسیله چاه های عمیق، انحراف مسیر آبراه ها به نفع کسانی که از این راه جیب های خود را پر میکنند موجب ته کشیدن منابع آب سطحی و زیر زمینی و خشکی زاینده رود، تالاب گاوخونی شده است و در نتیجه فرونشست زمین، آلودگی هوا، راه افتادن ریزگردها و خشکی اراضی کشاورزی به

اخبار و گزارشات منتشره از اعتراضات و تظاهرات کشاورزان استان اصفهان و حمایت شکوهمند توده های مردم شهر اصفهان در یک تجمع اعتراضی بزرگ و گسترده از آنها و ادامه این اعتراضات توسط مردم جان بلب رسیده چهارمحال و بختیاری و سایر مناطقی که با کم آبی و فاجعه زیست محیطی مواجه اند نشاندهنده روح همبستگی در رزمی مشترک برای رسیدن به آزادی و تحقق خواست های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی است که امروزه در سرتاسر ایران و به اشکال و صور مختلف در ابعادی کوچک و بزرگ جریان دارد.

شعارهائی نظیر "برابری عدالت این است خواست ملت. زاینده رود جاری حق مسلم ماست" تبلوری از همبستگی محلی و سراسری است.

مشکل کمبود آب و تبعات تخریب محیط زیست تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نتیجه سالها سیاست ضد مردمی رژیم و طبقه فاسد و رانت خوار سرمایه داری ایران است که برای انباشت ثروت و سود از هیچ عمل ضد انسانی رویگردان نیستند. امروزه مشکل آب فقط به زاینده رود و اصفهان و چهارمحال و بختیاری ختم نمی شود بلکه بسیاری از رودخانه ها، تالاب ها و دریاچه های کشور از جمله دریاچه ارومیه با فاجعه مشابهی روبرو هستند و بسیاری از زمین های کشاورزی تبدیل به

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان فقط معضل زنان نیست!

منع خشونت علیه زنان دستاوردی مهم برای فعالین و مدافعین حقوق زنان محسوب میشود، اما انتظار اقدامات عملی در جهت رفع خشونت علیه زنان از چنین مراجعی انتظاری بیهوده است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بار دیگر در "روز جهانی مبارزه علیه خشونت بر زنان" ضمن یادآوری این نکته که خشونت علیه زنان فقط معضل زنان نیست بلکه معضل یک اجتماع و اعمال خشونت علیه تک تک آحاد جامعه است، تاکید می کند که اعمال خشونت علیه زنان یکی از آثار و عواقب نظام سرمایه داری است که مبنایش بر بهره کشی و سود اندوزی اقلیتی از صاحبان قدرت و ثروت استوار است، سیستمی که هم خود موجد این خشونت است و هم بخاطر حفظ حیاتش به آن نیاز دارد و در ابعاد مختلفی آنرا توجیه می کند بنابراین مبارزه برای رفع خشونت علیه زنان با مبارزه علیه نظام طبقاتی و مبارزه برای برقراری نظم سوسیالیستی پیوندی ناگسستنی دارد و می باید از همین امروز به خواسته ای اساسی و روزمره در مبارزات جاری کارگران و زحمتکشان در ابعاد و اشکال مختلف آن تبدیل شود. از اینرو شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همه زنان و مردان برابری طلب و آزادیخواه را برای مبارزه ای پیگیر جهت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار دولتی کارگری و شورایی فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شنبه ۲۹ آبانماه ۱۴۰۰ - ۲۰ نوامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

حمایت می کنند. منافع اقتصادی و ژئوپولیتیک دول امپریالیستی هرگز اجازه نداده و نمی دهد تا نسبت به بی حقوقی و اعمال خشونت علیه زنان در این کشورها اقدام موثری انجام دهند.

خشونت علیه زنان در نظام طبقاتی یکی از اشکال پایدار نقض حقوق انسانی درخانه و محل کار به منظور بهره کشی و ستم و استثمار در سطح جهان است و محدود به یک فرهنگ، ملیت، منطقه و کشور خاصی نیست.

ریشه خشونت علیه زنان، امر مداوم سیستم مردسالار سرمایه داری جهانی است و این واقعیت نشان می دهد که هر گونه مبارزه ای علیه ستم به زنان نمی تواند بدون ارتباط و جدا از مبارزه طبقاتی علیه این نظام سود محور به سرانجامی برسد.

زنان در جوامع سرمایه داری بوسیله قوانین مذهبی و فرهنگ مرد سالارانه به گوشت دم توپ گروههای آدمکش و واپسگرای اسلامی همچون اشرار بوکوحرام و داعش تبدیل شده اند.

بعلاوه خشونت جنسی بویژه در کشورها و جوامع اسلامزده و دیکتاتوری نظیر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که دین و دولت با هم تلفیق شده به مراتب بیشتر و ابعاد گسترده تر و بی شماری بخود میگیرد، از جمله خشونت کلامی، تجاوز، متلک پرانی، بارداری ناخواسته، تن فروشی، ختنه، خرید و فروش زنان، خشونت در محیط کار، خشونت در زندان، تجاوز و قتل، آزار و اذیت توسط اعضای خانواده، خشونت نگاهی، رفتاری، جداسازی زنان و مردان و صد ها مورد دیگر را میتوان نام برد که هر روزه شاهد اعمال آنها بر زنان در محل های کار و زندگی هستیم. اعمال برخی از این خشونت ها در این جوامع توسط قوانین رسمی مورد حمایت قرار میگیرند و مرتکبین خشونت علیه زنان از هرگونه مجازاتی معاف میگردند.

هر چند تحمیل نامگذاری روزی بنام روز جهانی

در بیست و پنج نوامبر ۱۹۶۰ سازمان امنیت رژیم رافائل تروخیلو دیکتاتور جمهوری دومینکن در پی تشدید سرکوب جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی، سه خواهر به نام پاتریا، ماریا و آنتونیا میرابل را بعد از اسارت و ماه ها شکنجه و تجاوز به قتل رساند. جرم آنها شرکت در مبارزه برای آزادی و رهائی از ستم و استثمار و سرکوب بود.

بعد از ۲۱ سال از آن جنایت یعنی در سال ۱۹۸۱ فعالین حقوق زنان آمریکای لاتین و منطقه کارائیب در گردهمایی خود روز قتل خواهران میرابل را بعنوان روز "یادمان خواهران میرابل" نامگذاری کردند تا بیش از پیش توجه افکار عمومی جهان را نسبت به اعمال خشونت علیه آنان جلب کنند، در نهایت و در نتیجه مبارزات پیگیرانه مدافعین و فعالین جنبش زنان در سال ۱۹۹۹ این روز نیز از طرف سازمان ملل "روز جهانی منع خشونت علیه زنان" نام گذاری شد.

از آن پس با وجود تلاش فراوان فعالین حقوق زنان و تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل جهت رفع خشونت و ستم بر زنان نه تنها پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است، بلکه در فاصله تصویب این قطعنامه تاکنون شاهد افزایش اعمال خشونت و ستم بر زنان در اقصی نقاط جهان هستیم. علاوه بر افزایش اعمال خشونت و تحقیر زنان به اشکال مختلف در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، شاهد ترویج و تشدید خشونت، توسط گروه های اسلامی و دولت های سرمایه داری در کشورهای خاورمیانه و آسیا و آمریکای لاتین و آفریقا نیز می باشیم. که اغلب این گروه ها و دولت های مرتجع در جنگ و رقابت امپریالیستی برای تسلط بر منابع مواد خام و بازار کار و کالای این کشورها بوجود آورده اند و یا از آنها

“کودکان کار مدرن” پدیده جدید سرمایه

آرش حسامی

به بهانه ۲۰ نوامبر روز جهانی حقوق کودکان و نوجوانان

ما شاهد شیوه های جدیدی از استثمار و سوء استفاده از کودکان هستیم “کودکان کار مدرن” در اینجا ما دیگر با کودکانی ژولیده با لباس های کهنه و پاره، لاغر مردنی که از سوء تغذیه رنج میبرند مواجه نیستیم بلکه با کودکانی با ظاهری آراسته و ادیباتی خاص مواجه هستیم که توسط آدامین ها که یا والدین کودکان هستند و یا کسانی که خود گمارده و استخدام شرکت های تجاری هستند، به کودک دیکته شده است. کافی است در یکی از شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام، تلگرام، فیس بوک و غیره چرخی بزنیم تا با انواع و اقسام صفحات این چنینی با تم های گوناگون برخورد کنیم، صفحاتی که غالباً پرطرفدار و پر بازدید هم هستند.

در این پیج ها آدامین ها ویدئو و عکس های کودکان را با موضوعات مختلف با هدف جذب فالور و کسب درآمد به نمایش میگذارند که نوعی جدید و مدرن ازبردگی و کار کودکان است امری که تا قبل از این مختص به کارخانه ها و خیابان و کارگاه بود و چهره کریه و عریان سرمایه را به نمایش می گذاشت و هر انسانی را با اندکی وجدان آگاه به فکر فرو میبرد امروزه با ظاهری آراسته و مدرن پدیدار شده است که دیگر نه تنها به آن توجه ای نمی شود بلکه جنبه فان و کول هم برای بیننده پیدا کرده و او را هم به این وادار می کند که هر چه

شرایط سالم و امن را برای همیشه از دست داده اند، تنها در یک مورد سالانه حدود ۲.۵ میلیون کودک از پنجمین سال زندگی خود فراتر نمی روند.

بنابر گزارش مشترک یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل) و “سازمان جهانی کار” که چهار سال یک بار منتشر می شود، تا پایان سال ۲۰۱۹ مطابق امار رسمی بیش از ۱۶۸ میلیون کودک زیر ۱۲ سال در جهان به کارگری گمارده شده بودند. بخش زیادی از این کودکان قربانی جنگ، حاشیه نشینی و مهاجرت های اجباری و آوارگی هستند. این تعداد هشت و نیم میلیون بیشتر از گزارش چهار سال پیش است و در دوران شیوع کرونا وضعیت بدتر هم شده است بطوری که کودکان بین پنج تا ۱۱ سال بیش از نیمی از کودکان کار را تشکیل می دهند. بیشترین آمار کودکان کار مربوط به جنوب افریقا است، در این منطقه ۱۶ میلیون و ۶۰۰ هزار کودک کار وجود دارد که به نسبت چهار سال قبل بسیار بیشتر شده است.

این امار و ارقام تنها بخشی از فاجعه ای است که ما بطور روزانه و با اشکال مختلف با آن مواجه هستیم و مربوط به کودکان کار به اصطلاح “کلاسیک” میشود که در بخش های کشاورزی، خدمات، صنعت و غیره به کار گمارده شده اند. اما با رشد و پیشرفت تکنولوژی و گسترش شبکه های ارتباط جمعی

از ۲۰ نوامبر ۱۹۵۴ که اعلامیه حقوق کودک در سازمان ملل امضا شد، این روز به نام روز جهانی حقوق کودکان و نوجوانان نامگذاری شده است.

نگاهی به وضعیت کودکان در جهان کنونی در زیر سلطه سیستم سرمایه داری نشان میدهد که برغم رشد و پیشرفت تکنولوژی و وسائل تولید و ارتباطات اما هنوز چشم اندازی برای رهائی کامل کودکان و نوجوانان از زیر بار ستم و فقر و آوارگی، کودک آزاری و سایر ناهنجاریهای اجتماعی وجود ندارد.

با یک جستجوی ساده در اینترنت با آماری تکان دهنده مواجه خواهیم شد، آماری که بیانگر این واقعیت است که اختصاص دادن روزهای از سال با عناوینی همچون “روز جهانی کودک”، “روز جهانی مبارزه با کار کودکان”، “روز جهانی حقوق کودکان و نوجوانان” و یا دادن قطعنامه و بیانیه و غیره تاثیر آنچنانی در کاهش درد و مصائب و خطراتی که امنیت، سلامت و زندگی کودکان را تهدید می کند نداشته است و حتی دولتمردانی که این قطعنامه ها را امضا و قبول کرده اند به آن پایبند نبوده و نیستند.

آمار جهانی نشان میدهد که چطور در اثر جنگ، سیاست های ریاضت اقتصادی، تغییرات اقلیمی، آوارگی و یا اپیدمی های مثل کرونا میلیونها کودک و نوجوان امکان زندگی در



مصاحبه با یدی شیشوانی بمناسبت یکصد و چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر پیاده شده از نوار گفتگو با تلویزیون جنبش انقلابی

اینقد در موردش گفته و نوشته شده باشه و همچنان بحث در موردش بروز و تازه باشه؟

یدی: ابتدا به شما وینندگان گرامی سلام عرض میکنم و یکصد و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را به همه کارگران و کوشندگان راه سوسیالیسم شادباش میگویم. انقلاب اکتبر یک واقعه ای بود منحصر بفرد در آن مقطع تاریخی، یعنی اواخر دهه دوم قرن بیستم و در شرایط تاریخی معینی اتفاق افتاد که با کاربست اندیشه های مارکس انگلس و لنین در کشور پهناور روسیه به پیروزی رسید و دنیای ما را دگرگون کرد.

چرا انقلاب اکتبر این قدر حائز اهمیت است؟ به این دلیل که بعد از بخون کشیده شدن کمون پاریس این اولین بار بود که طبقه کارگر و زحمتکش در کشور بزرگی از جهان به پیروزی رسیده بودند و این پیروزی، پیروزی تنها طبقه کارگر و زحمتکش روسیه نبود بلکه پیروزی بود متعلق به کارگران سرتاسر جهان و زحمتکشانش و محرومین. بنابراین آتش امید به آزادی و پایان دادن به ستم و استثمار، زور و سرکوب و رفع تبعیضات، امید به آزادی و سوسیالیسم را در وجود صدها میلیون انسان کارگر و زحمتکش در تمام دنیا شعله ور کرد. و امروز برغم شکست انقلاب اکتبر تئوری و تاکتیک این انقلاب و تجربیات آن برای مبارزات طبقه کارگر در سرتاسر جهان از اهمیتی بزرگ برخوردار است.

اینها از جمله سوالاتی است که در این برنامه با رفیق یدی شیشوانی یکی از فعالین با سابقه جنبش کمونیستی که خود از نزدیک تغییر و تحولات انقلاب اکتبر را دنبال کرده در میان میگذاریم. پیشنهاد میکنم که تا آخر برنامه با ما همراه باشید و نظرات و انتقادات خودتان را با ایمیل و شماره تلفنی واتس که در زیر مشاهده میکنید در میان بگذارید.

درود میفرستم به شما رفیق یدی گرامی، همانطور که میدونید امسال مصادف با ۱۰۴مین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر، هر چه که ما از تاریخ وقوع این انقلاب دور تر میشیم و به عمرش اضافه میشه و از طرفی هم بحران های نظام سرمایه داری حادتر، ما شاهدیم که از طرف مدافعان نظم موجود با عناوین «مورخ» «نویسنده و محقق» و غیره با شدت بسیار زیاد به دستاوردها و تاثیرات و همچنین نیروها و رهبرانی که در انقلاب اکتبر نقش بسزای داشتند و در راس اونها لنین حمله میشه و تلاش میکنن که اینطور وانمود بکنن که سوسیالیسم چیزی بود که در اتحاد جماهیر شوروی سرکار آمد و بعلت بی اساس بودن و ناکارآمدیش فروپاشید.

میخواهم بحث از این نقطه آغاز کنیم که به نظر شما چرا انقلاب اکتبر اینقدر حائز اهمیتته، چون ما در قرن بیستم انقلابات دیگه ای هم داشتیم ولی ما کمتر واقعه ای رو سراغ داریم که هم از طرف مخالفین و موافقین و سمپات هاش

یکصد و چهار سال پیش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به رهبری حزب بلشویک در سرزمین های امپراطوری بزرگ روسیه تزاری به پیروزی رسید.

در تاریخ جهان هیچ رویدادی را نمی توان یافت که باندازه انقلاب اکتبر در سرنوشت بشر تاثیر گذاشته باشد، انقلاب اکتبر با تحولی که در زندگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش بوجود آورد، فصل نوینی را در تاریخ بشر گشود. امروز در حالی صد و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر را گرامی میداریم که این انقلاب با طی فراز و نشیب های زیاد و تحمل جنگ های خانمانسوز و ویران کننده از سوی قدرت های سرمایه داری سرانجام زیر فشارهای بیرونی و انحرافات درونی با شکست مواجه شد اما شکست این انقلاب چیزی از عظمت و اهمیت آن کم نکرده و نمی کند.

اما واقعا چرا

- انقلاب اکتبر همچنان حائز اهمیت است
- طبقه کارگر در سرزمین های روسیه تزاری در چه بستر و شرایط عینی و ذهنی جامعه آن زمان به این پیروزی دست یافت، آیا اساسا بدون یک نیروی سازمانده مانند بلشویک ها، طبقه کارگر روسیه می توانست بر اختاپوس سرمایه چیره شود؟

نقاط ضعف و انحرافات انقلاب اکتبر چه بود که منجر به فروپاشی آن شد؟ و امروز بعد از گذشت ۱۰۴ سال، انقلاب اکتبر چه میراث و درس های برای جنبش انقلابی طبقه کارگر در بر دارد؟

سوال دوم: رفیق یدی روسیه در زمان جنگ جهانی اول در یک وضعیت بحرانی و آشفته بسر میبرد و نیروهای متضاد و متخاصم زیادی بر سپهر سیاسی روسیه وجود داشت به نظر شما انقلاب اکتبر در چه بستر و شرایط عینی و ذهنی جامعه آن زمان روسیه به دست آمد، آیا بدون یک نیروی سازمانده مانند بلشویک ها، طبقه کارگر روسیه می توانست بر تمام موانعی که در برابرش بود چه قبل از انقلاب و چه در سال های اولیه پیروزی و جنگ داخلی که به کمونیست جنگی مشهور شد، بر اختاپوس سرمایه چیره میشد؟

یدی: انقلابات اجتماعی نتیجه وجود و عملکرد مجموعه تضادهائی است که در یک جامعه به اوج میرسند در یک جمله فشرده، سطح تکامل نیروهای مولده با مناسبات حاکم در تضادی بنیادین قرار میگیرد که همراه با عوامل موثر دیگری که در دوطرف این تضاد عمل میکنند، جامعه را به دگرگونی بنیادی سوق میدهند.

در مورد شرایط عینی اجتماعی که منجر به انقلاب اکتبر شد مسلماً نمیتوان در این وقت کم توضیحات کافی ارائه داد در این باره آثار متعددی منتشر شده است اما بطور خلاصه میتوانم اشاره کنم که در اواسط قرن نوزده میلادی در روسیه سلطنت مطلقه استبدادی حاکم بود. مثل دوره قاجار خودمان. نه قانون اساسی بود و نه مجلس نمایندگان و غیره نظام اقتصادی فئودالی و اصطلاحاً مناسبات سرواژ حاکم بود. یعنی اهالی امپراطوری عظیم روسیه را که عمدتاً دهقانان تشکیل میدادند و به آنها سرف میگفتند با زمینهای کشاورزی خرید و فروش و واگذار میشدند. اما همزمان با رشد سرمایه داری در اروپا در روسیه هم سرمایه داری تقریباً از نیمه دوم قرن

نوزده شروع به رشد کرد و در سال ۱۸۶۱ تزار ناچار دست به رفرمهای زد و از جمله مناسبات سرواژ را لغو نمود. بدین ترتیب خلاصه بکنم بتدریج سرمایه داری صنعتی هم در روسیه رشد گسترده ای را تجربه کرد. در اوائل قرن بیستم هر چند که طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار به نحو گسترده ای رشد کرده بودند اما هنوز روسیه کشوری عمدتاً دهقانی با اقتصادی کشاورزی و عقب مانده نسبت به کشورهای صنعتی اروپا بود. در این دوره تاریخی طبقه سرمایه دار دست در دست حکومت استبدادی تزار برای رشد شتابان سرمایه داری و انباشت سرمایه فشار زادالوصفی به نیروی کار در شهرها و روستاها وارد می آورد. کارگران و دهقانان در شرایط طاقت فرسایی به کار گمارده میشدند از ۱۲ تا ۱۵ و ۱۸ ساعت کار با دستمزدهای اندک در شرایط فقدان قوانین حمایتی، نبود مسکن، بهداشت، بیمه های اجتماعی و همه اینها موجب شده بود که اعتصابات گسترده ای از اواخر قرن نوزده مراکز کار و فعالیت در شهرها و اعتراضات میان دهقانان شکل بگیرد. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیستم، بیداری طبقه کارگر روسیه آغاز شده بود و همچون ایران امروز ما اعتصابات و اعتراضات گسترده در مراکز کارگری شکل میگرفتند و گروه ها و محافل مختلف هم بوجود می آمدند صد البته دستگاه استبدادی تزار هم مرتب در حال سرکوب و زندان و کشتار بود. اما نمیتوانست موج اعتراضات و اعتصابات را فرو بنشانند. در اینجا بود که مسئله چه باید کرد میان کمونیستها و سوسیالیست های روسیه مطرح شد. یعنی چه باید کرد که کارگران متحد بشوند و بتوانند در مقابل تعرضات سرمایه داری تشنه سود و تزار تشنه قدرت و خون ایستادگی بکنند. از همینجا بود که نیاز به تشکلهای توده ای مثل اتحادیه ها و سندیکاها از یکسو و فکر سازمان حزبی در بین گروه های

پیشرو کارگری و روشنفکران کمونیست احساس شد. در این دوره همانطور که سرمایه داران و صاحبان زمین به تشکیل احزاب مختلف دست زدند کارگران و کمونیستها نیز تلاش کردند به جنبش سوسیال دموکراسی سروسامان دهند و یکی از دغدغه های آن زمان مارکسیستها چگونگی شرکت سازمانیافته جنبش کارگری در این مبارزات پراکنده و متحد کردن طبقه کارگر بود و سازمان آزادی کار یکی از اولین محافلی بود که شکل گرفت و بعد در پاسخ به چه باید کرد حزب سوسیال دموکرات کارگری رسیده بعد ها حزب بلشویک بعد از طی مراحل مختلف شکل گرفت و البته بین شکلگیری حزب سوسیال دموکرات روسیه تا انقلاب اکتبر وقایع مختلفی اتفاق افتاد. مبارزه گسترده نظری با انحرافات جنبش کمونیستی کارگری گرفته تا انشعاب در سوسیال دموکراسی روسیه شکلگیری حزب بلشویک و منشویک، از انقلاب مشروطه روسیه گرفته تا جنگ با ژاپن و جنگ اول جهانی و نتایج آن، اعتصابات گسترده کارگری و دهقانانی و تشکیل شوراهای غیره و غیره که در نهایت موقعیت انقلابی در روسیه فراهم شد. اگر حزب طبقه کارگر در روسیه آن زمان در راس آن رهبرانی همچون لنین نکیود بنظر من امکان گذر از این دلانهای پیچ در پیچ و سخت مبارزه و پیروزی انقلاب اکتبر ممکن نمیشد و بعد از پیروزی نیز بدون وجود حزب پرلتری پیروزی به دشمنان داخلی و تهاجمات کشورهای امپریالیستی نیز غیر ممکن نمیشد..

رفیق یدی در مدت زمان کوتاهی بعد از انقلاب اکتبر تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتری در سراسر جهان راهنمای طبقه کارگر و جنبش های انقلابی شد و از آن الهام میگرفتن، ارزیابی شما از تاثیراتی انقلاب اکتبر بر جنبش های رهای بخش

و طبقه کارگر در سطح بین‌المللی و منطقه و ایران چیه؟

یدی: اولاً بنظر من انقلاب اکتبر یک انقلاب مختص روسیه نبود بلکه رویدادی عظیم در سطح جهان بود که سیمای جهان را دگرگون کرد انقلاب اکتبر عصر نوینی در تاریخ بشریت آغاز کرد عصر انقلابات سوسیالیستی که برغم همه فرازونشیب‌هایش، برغم تحولاتی که در سطح جهان صورت گرفته است، جنبش کارگری و سوسیالیستی اکنون نیز در همان مسیر گام برمیدارد. دست‌آورد های انقلاب اکتبر از جمله برپائی جامعه‌ای نوین، تامین حقوق اجتماعی و بهداشت رایگان، مسکن، حق کار، بهداشت و آموزش رایگان برای حقوق زنان، مبارزه برای برابری جنسیتی، یاری رساندن به جنبشهای اجتماعی در سرتاسر جهان رفع ستم ملی یاری برای رهائی از یوغ استعمار و استثمار و رویارویی مدام با فشارهای دول سرمایه داری و ده‌ها مورد از دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را میشود نام برد که در دوران اتحادشوروی برغم ویرانیهای جنگ گرم و سرد و کارشکنی‌های دول سرمایه داری، طبقه کارگر و خلقهای اتحادشوروی از آن برخوردار بودند را میتوان ذکر کرد که البته دفاع از این دستاوردها به این معنی نیست که اشتباهات و کاستی‌هایی که منجر به فروپاشی و شکست آن در برابر نظام سرمایه داری شد، چشم پوشیم.

رفیق یدی یکی از انتقاد های اساسی و دلیل فروپاشی که به اکتبر وارده نشستن حزب جای طبقه کارگر و دیکتاتوری حزبی به جای دیکتاتوری پرولتاریاست، آیا واقعا اینطور بود اگر اره به نظر شما چه عوامل عینی منجر به این شد و یا هر چند که در تاریخ کلمات شرطی جای نداده ولی به فرض محال اگر مرگ زود هنگام لنین نبود و انطوری که در بعضی

از بحث‌ها مطرح میشه اگر بجای استالین تروتسکی می‌نشست انقلاب اکتبر مسیر دیگه ای طی میکرد؟ اساسا شما نقاط ضعف و انحرافات در انقلاب اکتبر که منجر به فروپاشی و شکست شد در چی می‌بینید؟

یدی: البته پاسخ کامل به این سوال شما در این وقت کم مصاحبه کارسانی نیست. من سالها قبل از فروپاشی اتحادشوروی در نقد این سیستم مطالبی نوشته‌ام که البته شاید اکنون برخی از موارد آن تجدید نظر کرده باشم اما در پاسخ به سؤال شما اگر از سر منشع اصلی نقد های توام با تحریف تاریخی پیروزی و سقوط اتحاد شوروی بگذریم که رسانه‌های امپریالیستی و موسسات دولتی و ضد کارگری با در دست داشتن امکانات عظیم مادی و انسانی و تسلط به رسانه‌های غول پیکر مدام در حال تحریف دست‌آوردهای انقلاب اکتبر هستند و قصد شان در واقع خلع سلاح کردن طبقه کارگر و در انقیاد نگهداشتن توده‌های مردم است. اما محافلی هم هستند که مخالفت شان با نظام سرمایه داری احساسی است و خود شان درگیر واقعی مبارزه و رودرروئی عملی در صحنه مبارزه نیستند تا بتوانند ادعای شان را به محک تجربه بسپارند. بنابراین گفتن این حرفها هزینه‌ای هم برای آنها در بر ندارد ظاهرا بر حسب مد برای اینکه خود را دمکرات جلوه دهند و یا محفل مربوطه را راضی بکنند این برداشت‌ها را از رسانه‌ها ضد کارگری میگیرند و تکرار میکنند.

و اما این که بجای طبقه کارگر و شوراها و دیکتاتوری پرولتاریا، حزب بنشینند این را من هم قبول ندارم یعنی قدرت باید در دست شوراها باشد و بنظر من سوسیالیسم از آزادی جدائی ناپذیر است و تنها در آزادی است که سوسیالیسم شکوفا میشود. دوم اینکه وقطی ما از حزب حرف میزنیم منظورمان چه چیز است آیا ما

از حزب روشنفکران و یا اقلشاردیگری حرف میزنیم یا حزب طبقه کارگر یعنی حزب خودکارگران؟ اگر حزب، حزب کارگران است خوب این حزب لابد بخشی از کارگران را نمایندگی میکند و مبارزات صنفی سیاسی آنها را سازمان میدهد و درپروسه وبستری حرکت میکند که سرانجام بورژوازی را سرنگون کند و این هم در یک صبح بهای و بایک سوت بلبلی صورت نمیگیرد طبقه حاکم با سخت‌ترین ابزار در مقابل اش ایستاده و لاجرم کارگران نیز با ابزار حزبی خود در یک جنگ بی‌رحمانه باید درگیر شده و پیروز شوند. طبیعتا در فرادای پیروزی این حزب بنمایندهای پایه اجتماعی اش در قدرت سیاسی منتخب شوراها یا هر ساختار دیگری شرکت دارد و نمیتواند و اساسا امکانپذیر نیست که زیر بار مسئولیت شانه خالی بکند و نیز نمیتوان با یک نك قلم آترا حذف کرد علاوه بر آن احزاب دیگر کارگری و غیر کارگری هم حضور دارند که بنمایندهای از منافع پایه اجتماعی خویش برای بکرسی نشاندن برنامه شان می‌جنگند. حالا این دوستان میگویند این حزب قبل از پیروزی باید منحل شود چرا که وجوداش با حضور در قدرت سیاسی توام خواهد شد والا آخر. که اینجا بیش از این نمیشود این نظرها را و اشکافی کرد اما همیشه به نظر کافی است پوچ بودن و خیالی بودن و دوراز واقعیت بودن این نوع نظرات پی ببریم. اینها در واقع نادانسته در حال خلع سلاح کردن طبقه کارگر و نا امید کردن آنها از نتیجه کار و مبارزات شان و تلاش شان برای تحزب هستند.

و اما در پاسخ به قسمت دوم سوال شما بنظر من اولاً به علل شکست انقلاب اکتبر و اتحاد شوروی باید مسائل را در همان چهارچوب تاریخی و اوضاع جامعه و جهان در آن مقطع ارزیابی کرد. اگر خودمان را در آن شرایط قرار بدهیم میبینیم که بعد از پیروزی انقلاب با

جنگ و گرسنگی میلیونها کارگر و دهقان و یک قحطی همه گیر مواجه هستیم بعد حمله بیش از چهارده کشور امپریالیستی و کمک های بی دریغ آنها به ضد انقلاب داخلی و بعد میلیونها کولاک صاحبان زمین که تولیدات کشاورزی را احتکار میکردند به گرانی و قحطی دامن میزدند و در مقابل شکلگیری شوراهای اجرایی برنامه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بهداشت و آموزش مانع ایجاد میکردند. مناطق بسیار عقب مانده ای که گروه هائی نظیر داعش که نمایندگان شوراهای مامورین و معلمان آموزش و پرورش و مهندسان و غیره را سرمیریدند، بعد محاصره اقتصادی شدید و همه جانبه کشورهای امپریالیستی و... . در این شرایط میبایست برنامه های رفاهی نظیر کارمکن تامین اجتماعی، رشد و ارتقای صنعت کشاورزی خدمات باسواد کرد مردم که بیش از هشتاد درصد شان بی سواد بودند. حل مسائل ارضی، ملیت ها راه انداختن تولید و همه همه میباید عملی میشد همه اینها یک طرف و ظهور فاشیسم که هدف اصلی اش سرکوب انقلاب اکبر و محو شوروی و دستاورد های آن بود و نزدیک به بیست میلیون کشته و نابودی هر آنچه که در آن مدت کم ساخته شده بودند خلاصه کلام مجموعه از عوامل عینی و ذهنی و داخلی بین المللی باعث شدند تا انقلاب اکبر از مسیر خودش خارج شود و در اینجا شکل گیری بروکراسی که بنظر من بخش ناشی از ماندگاری بخشی از دستگاه دولتی دست نخورده از انقلاب اکبر بود که بتدریج امکان رشد پیدا کرد و در نهایت خود حزب راهم در خود هزم کرد.

باید در نظر گرفت که دوران سوسیالیسم هنوز مبارزه طبقاتی پایان نیافته است و مبارزه کی برکی، هنوز ادامه دارد لذا آثار و عوارض اقتصادی، فرهنگی و بنابراین سیاسی طبقات کهن هستند و رل بازی میکنند و تاثیر همه اینها منجر به این شد که دوران گذار و ملزومات آن از جمله

آزادیهای سیاسی نفی. میشود گفت که در آن اواخر از لحاظ فکری و فلسفی نوعی ماتریالیسم مکانیکی که خصلت متافیزیکی داشت بجای ماتریالیسم تاریخی نشست و بویژه از زمانی که اعلام شد دیگر در جامعه شوروی طبقات از بین رفته است و از آن نتیجه گرفته شد که پس، هر کس مخالف برنامه های حزب و در رأس آن دفتر سیاسی و در رأس آن هم دبیر کل بود منتسب به دشمن طبقاتی و شوروی است و بجای گسترش آزادیها و تحکیم قدرت شوراهای سازماندهی مبارزه طبقاتی به محدود کردن ونفی آنها منتهی شد که نتیجه اش گسترش بوروکراسی بی وظیفه شدن شوراهای و پر شدن حزب از افراد فرصت طلب شد که ظاهر عضو حزب بودند و عملاً دشمن سوسیالیسم.

امروز که صد و چهار سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر میگذره جهان سرمایه داری که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پایان تاریخ اعلام کرد، در آتش بحران اقتصادی خودش دست و پامیزنه، به نظر شما انقلاب اکتبر برغم اشکالات و انحرافات و ناکامی هاش چه میراث و درس های برای طبقه کارگر داره؟

یدی: بلی نوکران و مجیزگویان نظام ضد انسانی سرمایه داری با فجایع عظیمی که برای بشریت بوجود آورده اند سقوط نظام شوروی را پایان تاریخ بشمار آوردند. روزانه میلیونها دلار خرج میکنند و تمام مدیانی که توسط انحصارت صنعتی، مالی و نظامی اداره میشوند مشغول سم پاشی علیه انقلاب اکبر و نتایج آن هستند اما برغم این همه تبلیغات و اتهامات و بگیرو بیند ها همانطور که گفتید بحرانیهای لاعلاج سرمایه داری اعتراضات و اعتصابات گسترده و فجایعی که در این مدت بصورت بیکاری ها تشدید استعمار و جنگ و کشتار و فجایع محیط زیستی که بشریت

شاهد آن است باریگر ایده های سوسیالیستی و دست آورد های انقلاب اکبر را به موضوع روز تبدیل کرده است و آمارها مختلف نشان میدهند که روز بروز در سطح جهان استقبال از سوسیالیسم گسترش مییابد و کتابهای مارکس انگلس لنین و سایر نظریه پردازان سوسیالیسم با بیشترین اقبال مواجه هستند و جریان مبارزات طبقاتی و تجربه توده های کارگر و زحمتکش مردم نشان میدهد که یا سوسیالیسم بشریت را از نابودی نجات میدهد و یا بربریت سرمایه جامعه بشری را به جنگ و اضمحلال سوق خواهد داد.

از میراث و درسهای انقلاب اکبر پرسیدی که کتابها درباره دست آوردهای آن نوشته شده است بنظر من کاربرد استراتژی تاکتیکی بلشویکها به همراه نقد دیالکتیکی و تاریخی نقاط ضعف و اشتباهات آن در انطباق با شرایط تغییر یافته کنونی میتواند راهنمای مهمی برای مبارزات طبقه کارگر باشد بویژه اینکه انقلاب اکبر نشان داد که بدون حزب آگاه و رزمنده کارگری و بدون درپیش گرفتن مبارزه ای انقلابی پیروزی بر طبقه سرمایه دار و نظام اقتصادی و سیاسی ان توهمی بیش نیست.

پیروزی انقلاب اکبر نشان داد که جهانی دیگر ممکن است و میتوان بر ویرانه های نظام سرمایه داری جهانی دیگر جهانی عاری از ستم و استثمار و بدون جنگ و خونریزی بنا کرد و تجربه نشان داد که ساختن چنین دنیائی بدون فداکاریهای عظیم و تشحیح مداوم اشتباهات و بدون آزادی و حاکم بودن تولید کنندگان بر سرنوشت خویش ممکن نیست.

اکتبر ۲۰۲۱

«کودکان کار مدرن» پدیده جدید سرمایه

وجود دارد.

این موارد و آمار ذکر شده در این نوشته چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ایران تنها گوشه بسیار کوچکی از این واقعیت است که سیستم ظالمانه و استثمارگر سرمایه داری حاکم با حرص و ولع مال‌اندوزی در پی کسب سود، جان و زندگی توده‌های مردم و فرزندان شان برایش پیشیزی ارزش ندارد.

مبارزه برای محو تمامی این مصائب برآمده از سیستم طبقاتی و برخورد به آنها نباید محدود به یک روز خاص از سال باشد. دخیل بستن به نهادها و سازمان‌های صنعت حقوق بشری، خیره‌ای و امثالهم و قطعنامه‌های رنگارنگ شان در موارد مختلف کوچکترین دردی از قربانیان این سیستم دوا نخواهد کرد و ره به جایی نمیرد.

آرش - آبان ۱۴۰۰

اما اگر به شرایط کودکان و کودکان کار در ایران برگردیم هر چند آمار دقیقی از شمار کودکان کار در ایران وجود ندارد اما بر اساس آمارهای رسمی دو میلیون کودک کار در ایران وجود دارد، این در حالی است که آمارهای غیر رسمی از «وجود هفت میلیون کودک کار» خبر می‌دهند. اگر همین آمار و یا گفته‌های کارگزاران و خودی‌های رژیم را مبنا قرار دهیم با فاجعه‌ای وحشتناک روبرو خواهیم شد. به گفته مدیرکل بهزیستی رژیم جمهوری اسلامی در استان تهران، تنها در متروی تهران بیشتر از دوهزار کودک مشغول کار هستند و یا به گفته علی دیزجی معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری رژیم در تهران هزاران کودک و نوجوان زباله‌گرد در سطح شهر تهران

ادامه از صفحه ۹

زودتر «قورباغه‌اش را قورت بدهد». آری سرمایه تنها با دیکتاتوری، سرکوب و جنگ بقا خود را تضمین نمی‌کند به هر شیوه‌ای که نیاز باشد عمل میکند و هژمونی خود را در جامعه باز تولید و برقرار میکند گاهی جنگ، و سرکوب عریان و گاهی نرم، زیبا، لطیف و فریبنده.

این نوع کسب درآمد و سوء استفاده از کودکان در اکثر کشورها رشد عجیبی داشته اما در جامعه ایران بنا بر شرایط خاص اقتصادی - سیاسی و فرهنگ مومیای شده‌ای که به عنوان فرهنگ مدرن به جامعه تزریق شده است به صورت سرسام آور و دیوانه‌واری رو به گسترش است.

در ایران جمهوری اسلامی زده فرزندان اقشار محروم و توده‌های کار و زحمت که به دلیل فقر اقتصادی و برای یافتن قوت لایموتی به هر کار مشقت‌بار و سنگینی‌تن در می‌دهند همچنان اولین قربانیان این نظام ارتجاعی حاکم هستند.

بنابر آخرین گزارش مرکز آمار ایران تنها در بهار ۱۴۰۰، تعداد ازدواج‌های «ثبت‌شده» دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله بارشد ۳۲ درصدی در

مقایسه با آمار مشابه بهار گذشته به ۹۷۵۳ مورد رسیده است. خبرگزاری ایسنا با انتشار این خبر نوشته است که در طول دو سال گذشته، این آمار «بالاترین آمار فصلی ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله است» همچنان در بخش دیگری از این گزارش آمده است که طی بهار امسال، ازدواج «۴۵ هزار و ۵۲۲ دختر ۱۵ تا ۱۹ ساله» نیز «ثبت‌شده» است.

نابودی محیط زیست ضایعه ایست که سرمایه داری به ارمغان آورده است . سوسیالیسم به آینده بشریت و سعادت نسل‌های آینده نظر دارد . با اجتماعی شدن تولید و مبادله ، امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی بوجود می آید .

تولید به شیوه‌ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند ، یکی از جنبه‌های تولید سوسیالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه‌های تولید سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری فدراتیو شورایی جدایی ناپذیر است .

روابط عمومی
webmaster@fedayi.org
کمیته کردستان
Kurdistan@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karj@fedayi.org

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیئت
سیاسی سازمان اتحاد فداییان کمونیست منتشر
می شود .

از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات ، پیشنهادات و انتقادات خود را با در میان
بگذارید .

kar@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورایی !